خبر

گزارش ترک فعل رئیس جمهور سابق ارائه شده است

مسعود ستایشی، سخنگوی قوه قضاییه در پاسخ به سوال جام جم درباره این که قوه قضاییه چه برنامه‌ای برای برخورد با تخلفات و ترک فعل برخی مسئولان در دولت فعلی و قبلی دارد، چرا که ۱۶۷ نماینده مجلس نامه‌ای درخصوص تخلف، سوءمدیریت و ترک فعل رئیس جمهور سابق به ستاد کرونا ارائه کردند و خواستار برخورد مراجع ذی‌صلاح شدند، گفت: قوه قضاییه براساس عدالت و انصاف مسائل را رسیدگی می‌کند و ترک فعل‌ها از ناحیه مسئولان قضایی، خصوصا از مجموعه سازمانی دادستانی کل کشور همچنین سازمان بازرسی کل کشور بجد بدون وقفه و با نظارت هفتگی پیگیری و بررسی می‌شود. وی افزود: در زمینه ترک فعل‌ها و برخورد با کسانی که مرتکب ترک فعل شده‌اند اقدامات بسیار خوبی صورت گرفته است و گزارش‌ها به صورت عامه به رئیس قوه قضاییه ارسال می‌شود ولی اطلاع‌رسانی عمومی نشده است.

ستایشی گفت: نسبت به موضوع ترک فعل رئیس جمهور سابق نیز رسیدگی و بررسی‌های خوبی صورت گرفته که گزارش آن به مبادی ذیربط داده شده است. به محض این که شرایط فراهم شود اطلاع‌رسانی دقیق‌تری صورت خواهد گرفت.

جلادان تراژدی ۱۶ آذر چطور مدعی شدند؟

استکبارستیزی، شاخص جنبش‌های دانشجویی

فتاح غلامی
گروه سیاسی

امروز ۱۶ آذر است. یادبود روزی که چهارماه پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ دانشجویان در اعتراض به سفر ریچارد نیکسون، معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا به ایران صدای تاریخ شدند و تجمعات اعتراضی برگزار کردند. حرکتی که البته از سوی ماموران رژیم پهلوی به خاک و خون کشیده شد و خاطره خونین آن تا همیشه در ذهن مردم ایران نقش بست.

اکنون نزدیک به ۷۰ سال است که از عمر جنبش دانشجویی ایران می‌گذرد. در طول این هفت دهه تاریخچه این حرکت نشان می‌دهد دانشجویان طی این سال‌ها همواره در کنار بیان خواست‌های صنفی، خود را متعهد به طرح مسائل سیاسی و اجتماعی می‌دانند. تاکید بر مطالبه‌گری، بازخواست مسئولان، صراحت در بیان خواسته‌ها و پیگیری مجدانه در تحقق مطالبات دانشجویی و صنفی از جمله ویژگی‌های جنبش دانشجویی است. با این وصف، به نظر می‌رسد در برخی از مقاطع تاثیرگذاری برخی جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای خارج از دانشگاه و همچنین درگیر شدن تعدادی از دانشجویان با عواطف و احساسات باعث می‌شود در جریان فعالیت دانشجویان با رویکردهایی مواجه شویم که با اهداف اصلی آرمان‌خواهانه آنها تفاوت اساسی دارد. وقوع برخی اتفاقات تلخ در تعدادی از دانشگاه‌های کشور که به عرصه‌ای برای صف‌آرایی جریان‌ها و گروه‌های دانشجویی با سلایق مختلف به‌ویژه در جریان اغتشاشات و آشوب‌های اخیر تبدیل شد رهاوردی جز سوءاستفاده جریان‌های بیرون از دانشگاه و حتی گروه‌های معاند داخل و خارج از کشور نداشت. طبعا عزم مسئولان کشور در ایجاد شرایطی برای مفاهمه و فراهم‌آوردن موقعیت‌ها و ظرفیت‌هایی برای شکل‌گیری تجمعات دانشجویی و استقبال مقامات عالی کشور برای برگزاری نشست‌های دوجانبه با دانشجویان و برقراری دیالوگ و گفت‌وگو میان جریان‌های دانشجویی با حاکمیت، زمینه مناسبی را برای فعالیت‌های دانشجویان فراهم کرده است تا هم مسیر مطالبه‌گری را با همان جدیت پیشین ادامه دهند و هم مرز خود را با گروه‌های فرصت‌طلب خارج از محیط دانشگاهی مشخص کنند.

یکی از الزامات فضای دانشجویی، سیاسی‌بودن است و البته جوان‌بودن این قشر از جامعه و قدرت و نیرو و نشاط ناشی از آن، به دانشجو قدرت ایجاد تحولات عظیم اجتماعی را می‌بخشد

تاریخ یک تکاپوی مسئولانه دانشجویی

در سراسر این تاریخ ۷۰ ساله دانشجویان بر عدالت‌خواهی و آزادی تاکید داشتند. سرآغاز این حرکت‌ها از همان ابتدای شکل‌گیری مشروطیت شروع شد که محصلان مدارس عالی دارالفنون با تحصن، مقاله‌نویسی و سخنرانی با مشروطیت‌خواهان همراه شدند. سنگ‌بنای دانشگاه تهران که نهاده شد دانشجویان در همان دوره یکه‌تازی رضاشاه، نسبت به نبود فضای آزاد در دانشگاه اعتراض داشتند. جنب‌وجوش حرکت‌های چپ همزمان با تکاپوی مارکسیست‌ها در اتحاد جماهیر شوروی در فضای دانشگاه نمود بیشتری داشت اما با حضور دانشجویان مسلمان و همین‌طور برگزاری نشست‌ها و جلسات فرهنگی انقلابیون دانشگاهی و حوزوی ورق برگشت. در دوران ملی‌شدن صنعت نفت جریان‌هایی که دل در گرو اتحاد نیروهای ملی و مذهبی داشتند تحرکاتی را برای برقراری عدالت اجتماعی آغاز کردند. سرنگونی دولت مصدق در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فضایی سنگین را بر سپهر سیاسی و اجتماعی ایران حاکم کرد اما در شرایطی که نیروهای پرتلاش سیاسی همچنان در شوک برقراری دوباره نظام دیکتاتوری آن‌هم از نوع خشن آن بعد از کودتا بودند دانشجویان با دریافت خبر دعوت ریچارد نیکسون، معاون رئیس‌جمهور آمریکا به ایران و قصد شاه برای برقراری روابط مجدد با انگلیس صدای اعتراض خود را بلند کردند اما پاسخ این فریادهای حق‌خواهان گلوله آتشی بود که از تفنگ‌های ماموران رژیم شاه شلیک شد و راهروهای دانشکده فنی دانشگاه تهران را با خون شهیدان مصطفی بزرگ‌نیا، مهدی شریعت‌رضوی و احمد قندچی خونین کرد.

این خاطره تلخ اما باعث توقف جنبش عدالت‌خواهانه دانشجویی نشد و گرچه بعد از این حادثه سرکوب و خفقان در دانشگاه‌های ادامه پیدا کرد اما دانشجویان آرمان‌خواه عقب‌نشینی نکردند و با راه‌اندازی یک تظاهرات اعتراضی و تقلبی‌خواندن نتایج انتخابات مجلس بیستم در سال ۱۳۳۹ نشان دادند که همچنان با دقت تحولات سیاسی و اجتماعی را رصد و پیگیری می‌کنند.

حرکت‌های دانشجویی در جریان شکل‌گیری نهضت انقلابی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی(ره) سمت‌وسوی دیگری پیدا کرد و رنگی از مطالبات دین‌خواهانه به خود گرفت. پس از انقلاب، دانشجویان که ایفاگر نقش‌های مهمی در پیروزی این حرکت مردمی بودند در مقاطع حساس و مهمی سهم تاثیرگذاری در تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... داشتند. با شروع جنگ تحمیلی بسیاری از دانشجویان با رها کردن درس و دانشگاه به خط مقدم جبهه رفتند تا در عرصه‌ای دیگر به یاری مردم کشورشان بپردازند. در همان دوران سخت، بخشی از دانشجویان مثل شهید حسن طهرانی‌مقدم با دیدن ضعف کشور در حوزه تسلیحات و توان موشکی در جریان محاصره شدید و تحریم اقتصادی همت خود را بر این گذاشتند که گام‌به‌گام مسیر خودکفایی جمهوری اسلامی را در صنعت دفاعی با عزمی راسخ طی کنند. حرکتی که نتیجه آن از یک دهه پیش قطع وابستگی ایران به لحاظ نظامی به خارج از کشور بود. حضور فعال دانشجویان در سپاه و بسیج برای دفاع از کیان و تمامیت ارضی کشور، سازندگی، عمران و آبادانی، انرژی هسته‌ای، مجموعه‌های دانش‌بنیان، تولیدات داخلی و ... جلوه‌های دیگری از حضور پررنگ این قشر تحصیلکرده برای پویایی و رشد و شکوفایی ایران اسلامی بود.

بااین‌حال برخی از تحرکات دانشجویی در مقاطع حساسی از تاریخ انقلاب و جمهوری اسلامی با خاطرات تلخی هم همراه است. نمونه روشن آن نقش‌آفرینی برخی از دانشجویان در واقعه ۱۸ تیر ۱۳۷۸ یا ابراز همدردی با بازماندگان حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی در سال ۱۳۹۸ است که برخی جریان‌های دانشجویی تحت تاثیر التهاب و هیجان و البته با فضاسازی رسانه‌های داخلی و خارجی به اسم دفاع از عدالت و مردم به طرح شعارهای ساختارشکنانه پرداختند.

واقعیت این که در جریان حوادث آبان و آذر ۱۴۰۱ و بعد از ماجرای فوت مهسا امینی هم شاهد برخی ناآرامی‌ها در محیط‌های دانشجویی و البته سطحی از بروز خشونت‌های کلامی در بین دانشجویان بودیم.

جنبش دانشجویی که در طول هفت دهه از عمر خود همواره پیشاهنگ مبارزه با استعمار و استکبار بود این بار در درون خود با برخی کنشگری‌ها مواجه شد که با اهداف ورسالتی که برای خود تعیین کرده بود تفاوت‌های اساسی داشت. بیان این سخن البته به معنای همراه بودن کلیت این جنبش با این تحرکات نیست و در یک عبارت کلی می‌توان گفت که با همان مقیاس که می‌توان به‌راحتی نسبت میان تجمعات خیابانی آشوبگران در برخی از شهرها را با وسعت و جمعیت همان شهرها سنجید و وزن و معیار عددی اغتشاشگران را محاسبه کرد به همان میزان هم می‌توان تحرکات فراقانونی و ساختارشکنانه برخی از دانشجویان ساختارشکن را با تعداد دانشگاه‌های کل کشور و تعداد دانشجویان سراسر ایران مقایسه کرد و به ارزیابی‌هایی روشنی از ماهیت جنبش مطالبه‌گر و عدالت‌خواه دانشجویی رسید.

مطالبه گری؛ ویژگی جنبش دانشجویی

شکی نیست که یکی از الزامات فضای دانشجویی، سیاسی‌بودن است و البته جوان‌بودن این قشر از جامعه و قدرت و نیرو و نشاط ناشی از آن، فرصت شناخت بهتر موضوعات و وظایف را فراهم می‌کند و ساخت آینده‌ای که روی دوش دانشجویان بنا گذاشته شده به دانشجو قدرت ایجاد تحولات عظیم اجتماعی را می‌بخشد. دقیقا به همین دلیل همواره باید دانشجویان را در نوک پیکان مطالبات مردمی و تحولات اجتماعی دید.

بدون‌شک این جایگاه و ظرفیت بی‌نظیر از چشم گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی و آنان که در دنیای سیاست به تکاپو و تلاش مشغولند دور نخواهد ماند. در این بین نکته کلیدی و وظیفه همیشگی دانشجویان دور نگه‌داشتن دامان این جنبش پرافتخار از آلودگی وابستگی به گروه‌ها، احزاب و جریانات سیاسی است. طبعا نباید از یاد برد که اگر جنبش دانشجویی را در نقش مجیزگوی جریانات سیاسی تعریف کنیم، مصلحت‌اندیشی‌ها و آینده‌نگری‌ها و احیانا قدرت‌طلبی جریانات سیاسی جای روحیه آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری دانشجویی را خواهد گرفت و دانشجویان را از وظایف و هویت اصلی خود دور خواهد کرد. در فعالیت‌های سیاسی دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی، وجود فهم تحلیل سیاسی و بیان آن برای آحاد مردم، امر ضروری برای تک‌تک دانشجویان است اما نباید این کنشگری با سیاسی‌کاری در فضای دانشجویی اشتباه گرفته شود، چراکه یکی از خصوصیات ارزشمند قشر دانشجو، موضع‌گیری مستقل و صراحت‌لهجه در برابر اتفاقات مختلف سطح جامعه است.

مکث

دانشجو، نیروی محرکه برای دستیابی به آرمان‌های بزرگ

آنان که خواسته یا ناخواسته دانشجو را پیاده‌نظام گروه‌های سیاسی می‌خوانند، به آرمان بزرگ کسانی که سال‌ها در تاریخ معاصر ایران با حفظ آزادگی و استقلال خود دست رد به سینه استبداد داخلی و استکبار خارجی زدند، خیانت می‌کنند.

شرایط فعلی جامعه عزم و اراده بیشتر فعالان تشکل‌های دانشجویی را می‌طلبد تا ضمن انجام فرایض آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری در سطوح و موضوعات مختلف در عمل دچار یأس نسبت به آینده نشوند و چشم بر پیشرفت‌های گسترده و طلایی چهار دهه گذشته نبندند و این حرکت عظیم طی‌شده را نه‌فقط فراموش نکنند بلکه با ارائه تصویری واقعی و امیدوارانه از واقعیت‌ها در کنار موفقیت‌ها، راه را برای حرکت پرشتاب به سمت قله‌ها روشن سازند. بی‌شک امید به آینده بزرگ‌ترین نیروی محرکه مردم ایران اسلامی برای دستیابی به آرمان‌های بزرگ‌شان خواهد بود.

یادداشت

تلاش برای معنازدایی از تاریخ

جلادان تراژدی ۱۶ آذر چطور مدعی شدند؟

جام جم آنلاین هرساله ۱۶ آذر یادآور استقلال‌طلبی دانشجویان در ایران بوده اما گویی امسال تلاش می‌شود تا این معنا وارونه جلوه داده شود.

تراژدی ۱۶ آذر خاطره‌ای آشنا در تاریخ معاصر ایران است. ماجرا مربوط به چند ماه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌شود که دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به نقشی که آمریکایی‌ها در کودتا داشتند، با مغتنم‌شمردن سفر ریچارد نیکسون، معاون وقت رئیس‌جمهور آمریکا به ایران خشم خود را به نمایش گذاشته و همزمان علیه استبداد پهلوی که متحد آمریکا بود، قیام کنند.

اعتراض دانشجویان در روز ۱۶ آذر آن سال با خشونت رژیم پهلوی روبه‌رو شد و آنها با حمله به دانشکده فنی دانشگاه تهران سه دانشجو به نام‌های شریعت رضوی، احمد قندچی و مصطفی بزرگ‌نیا را به شهادت رساندند. اتفاقی که خشونتی بی‌سابقه علیه دانشجویان را رقم زد و حکایت از سیستم سرکوب‌محور رژیم پهلوی داشت.

قریب به ۷۰ سال پس از آن روز، این روزها گروه‌ها و کانال‌های ضدانقلاب تلاش دارند به مناسبت سالروز این تراژدی، اعتصابات و تجمعاتی در دانشگاه‌ها و بازار به وجود بیاورند و جالب‌تر این‌که رضا پهلوی، فرزند کسی که فرمان قتل دانشجویان را داد، خواسته تا در این روزها اعتراضات و اعتصابات شکل بگیرد و به قول او، مردم پشتیبان هم باشند و یکدیگر را تنها نگذارند. او گویی فراموش کرده ۱۶ آذر یادآور جنایت پدرش محمدرضا پهلوی در کشتن سه دانشجوی دانشگاه تهران است و اتفاقا در سال ۵۷ مردم پشتیبان هم بودند، یکدیگر را تنها نگذاشتند و در نهایت موفق شدند او را به زیر بکشند.

ماجرای سوءاستفاده از نمادهای تاریخی، متوقف به ۱۶ آذر نیست و بسیاری از حوادث دیگر را شامل می‌شود. درواقع امپراتوری دروغ می‌کوشد تا تاریخ و هویت ایران را از معنا تهی کرده و آن را به نفع خود بازخوانی کند، چنان‌که نسل جدید از یاد ببرد واقعیت تاریخ چه بوده است.

معنازدایی از تاریخ همچنین عامل تضعیف هویت ایرانی شده و ملتی که بی‌تاریخ و بی‌گذشته باشد، عملا پشتوانه‌ای برای دفاع از رفتار و سنت‌های خود نخواهد داشت. این همان ترفندی است که مدعیان جهانی‌سازی به کار برده و عملا تلاش می‌کنند ملت‌ها را از هویت خود تهی کنند تا به‌راحتی در منطق جهان غرب هضم شوند.

از دانشجویان به‌عنوان قشری فرهیخته و اهل مطالعه انتظار می‌رود با دقت در اهداف پنهان معنازدایی رسانه‌ای از تاریخ، پروژه تضعیف هویت ملی که با هدف محو ایران از نقشه جغرافیا صورت می‌گیرد را درک کرده و مانع از اجرای آن شوند. دانشجویان نباید از یاد ببرند که چه‌کسانی به روی دانشجویان اسلحه کشیده و چه‌کسانی امروز پشت نقاب دلسوزی برای دانشگاهیان پنهان شده‌اند.

روشن است که اگر دانشگاه به فهم دقیقی از تاریخ و منافع جبهه استعماری برسد، توده‌های مردم نیز با آگاهی بیشتر، تلاش برای ایران‌ستیزی را خنثی خواهند کرد.

امنیت

شناسایی و متلاشی‌شدن چند تیم عملیاتی گروهک تروریستی منافقین

وزارت اطلاعات با انتشار اطلاعیه‌ای از شناسایی ومتلاشی‌شدن چند تیم عملیاتی وابسته به گروهک تروریستی منافقین توسط سربازان گمنام امام زمان(عج) خبر داد.

متن کامل اطلاعیه وزارت اطلاعات به این شرح است:

بسمه‌تعالی

به استحضار ملت شریف ایران می‌رساند: با الطاف الهی و عنایات اهل‌بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)، سربازان گمنام امام‌زمان(عج) موفق شدند چند هسته عملیاتی وابسته به گروهک تروریستی منافقین را شناسایی و متلاشی نمایند. هسته‌های مزبور با انجام اقدامات تروریستی و خمپاره‌زنی‌های متعدد علیه مراکز اداری، نظامی، انتظامی و مسکونی، ضمن وارد کردن خسارت‌هایی، به فضای رعب و ناامنی نیز دامن می‌زدند. پس از ردیابی و شناسایی هسته‌های خرابکار، سلسله‌عملیات هماهنگی در استان‌های تهران، اصفهان و کردستان صورت گرفت و به بازداشت ۱۰ عنصر عملیاتی و پشتیبانی منافقین منجر شد.

اعضای این هسته‌ها در عملیات‌های متعدد تروریستی به پرتاب نارنجک دست‌ساز در تجمعات مردمی و حملات خمپاره‌ای به مراکز فوق‌الاشاره مبادرت کرده و در حال طراحی اقدامات به‌مراتب شدیدتری بودند.

تمام فعالیت‌های تروریستی یادشده با هدایت مستقیم مقر اروپایی گروهک تروریستی منافقین واقع در کشور آلبانی صورت گرفته و در عملیات‌ها حتی از عناصر سابقه‌دار و قدیمی گروهک منافقین که در دهه ۶۰ مورد عفو و تخفیف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته بودند استفاده شده است. همراه با دستگیری اعضای این شبکه، تمامی اقلام و تسلیحات و ادوات عملیات تروریستی همچون خمپاره، نارنجک، مواد و تجهیزات ساخت نارنجک دست‌ساز، سلاح کمری و کوکتل مولوتف، کشف و ضبط شد.

تحلیل

حمایت مجدد وزیرخارجه آمریکا از اغتشاشگران چه پیامی دارد؟

دیپلماسی ریاکارانه

سیاست دوگانه آمریکا در قبال تهران هر روز از جایی جدید تکرار می‌شود و سیاست یک بام و دو هوای دولت بایدن در قبال اتفاقات ایران برای خودشان هم احتمالا عجیب است اما یک تقسیم کار درونی و ویترینی صورت‌گرفته که آمریکا طبق آن دیپلماسی می‌کند، رویکردی که نامش دیپلماسی ریاکارانه است.

اظهارات مداخله‌جویانه آمریکا در اتفاقات داخلی کشورمان چندین بار واکنش وزارت خارجه را به دنبال داشت، البته نه فقط آمریکا بلکه متحدان اروپایی آنها هم چندین بار به دلیل دخالت در امور ایران احضار شدند؛ به طوری که بررسی اخبار فعالیت دستگاه دیپلماسی کشورمان نشان می‌دهد از سوم مهر تا نهم آذرماه یعنی در بازه زمانی ۶۷ روزه، وزارت خارجه ۱۲ بار سفیران کشورها را احضار کرده و به آنها مواردی را تذکر داده است.

اما این بار موضوع اظهارات جدید وزیرخارجه آمریکاست؛ بلینکن در ادامه لفاظی‌ها و حمایت مجدد از اغتشاشگران در ایران، با نادیده‌گرفتن خشونت افسارگسیخته نیروهای امنیتی و پلیس کشورش ضد شهروندان آمریکایی، مقابله با آشوب در ایران را خشونت و برخورد با اغتشاشگران را سرکوب از روی ضعف توصیف کرده و بدون اشاره به جان‌باختن شماری از مردم ایران به دست اغتشاشگران، مدعی شد که ما گزارش‌های مربوط به توقف فعالیت پلیس امنیت اخلاقی و همچنین گزارش‌هایی درباره رد این موضوع دیده‌ایم. من دقیقا نمی‌دانم که موضوع چیست، اما نکته اصلی این است که موضوع به خواسته‌های مردم ایران مربوط می‌شود.

وزیر خارجه آمریکا بی‌اطلاع از شرایط موجود و بی‌توجه به تبعیض نژادی حاکم در جامعه آمریکا و ظلم مقامات کشورش به طبقات مختلف اجتماعی آمریکا در ادامه ادعا کرد: موضوع این است که آیا حکومت افراد مسئول را پاسخگو می‌کند یا نه؟ اما تلاش‌ها برای سرکوب، استفاده از خشونت و مقابله با مردم نشانه‌ای از قدرت نیست، بلکه نشانه‌ای از ضعف است. بلینکن این هفته در کنفرانس جی استریت و بین گروهی که حامی صهیونیست‌ها هستند با حمایت از اغتشاشگران در ایران، عوامل ناآرامی و اغتشاش را افرادی صلح‌جو نامید که کنار این افراد ایستاده‌اند.

وزیر خارجه آمریکا در جمع صهیونیست‌ها گفته بود واشنگتن برای حمایت از این افراد مجوز صدور فناوری‌های اطلاعاتی را صادر کرده است. این نوع اظهارات مداخله‌گرایانه جدید نیست و بلینکن دو هفته پیش هم در کنفرانس خبری مشترک با همتای قطری خود در دوحه بار دیگر ضمن حمایت از اغتشاشات در ایران، تاکید داشت که فشارها به دلیل برنامه هسته‌ای ایران باید ادامه داشته باشد.

ریاکاری آمریکایی

این درحالی است که حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه کشورمان پیش از این گفته بود: ما به طور مستمر با طرف آمریکایی پیام تبادل می‌کنیم و آخرین پیام‌مان در کمتر از ۷۲ ساعت گذشته بود. چون آمریکایی‌ها از طریق وزرای خارجه برخی کشورها پیام می‌دهند که برای برجام عجله و شتاب دارند، اما در مقابل راب مالی نماینده آمریکا در امور ایران خیلی ریاکارانه برخورد می‌کند و در مصاحبه با رسانه‌ها می‌گوید برجام اولویت ما نیست و به تحریکات کف خیابان و اغتشاشات که می‌خواهند در ایران داشته باشند اشاره می‌کند.

رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان همچنین خاطرنشان کرده بود: در راستای برجام با همه ضعف و قوت خود و با توجه به مذاکراتی که داشتیم، امکان توافق با همه طرف‌ها وجود دارد.

فشار برای عبور از خطوط قرمز

بنابراین هدف آمریکا کاملا روشن است آنها می‌خواهند اعمال فشار کنند تا ما از خطوط قرمزمان در مذاکرات عبور کنیم اما آنچه برای ما در مذاکرات و تبادل پیام‌ها مهم است منافع ملی است هرچند برای برداشته‌شدن تحریم‌ها باید به مسیر مذاکرات ادامه داد و اگر همه طرف‌ها به برجام برگردند و برجام برای ما خوب کار کند، ایران هم از این ظرفیت استفاده می‌کند. این همان نکته‌ای است که آمریکا آن را انحصاری می‌خواهد و خودش به دنبال تقسیم این کیک قدرت است. در صورتی که ما مذاکره برای مذاکره انجام ندادیم بلکه مذاکره برای رسیدن به نتیجه انجام دادیم و اگر آمریکا از فاز دوگانه خارج شود شاید بهتر شود این قطار مذاکره را به پایان خط رساند.

آشکارسازی حمایت مقامات آمریکایی از آشوبگران

در فضای بی‌سابقه دامن‌زدن به جنگ تمام‌عیار شناختی و ایجاد گسست ذهنی بین فضای حقیقی و دنیای مَجاز یکی از قرارگاه‌های اصلی مبادی آمریکایی- انگلیسی و اَشرافیت بَدَوی سعودی بود که این موضوع برخی سلبریتی‌ها را دچار هیجان‌زدگی و همراهی رسانه‌ای با این جریان کرد.

از سوی دیگر درحالی فقط تا مهرماه ۷۷ نفر از عوامل گروهکی کردستان، اعم از افراد مرتبط رسمی گروهک‌های صهیونیستی موسوم به کومله، دمکرات، پاک، پژاک تا تعدادی از کادرهای رده بالای این گروهک‌ها بازداشت شدند که در میان بازداشت‌شدگان، کادر برجسته و عضو مرکزیت یکی از گروهک‌های مقیم اقلیم کردستان عراق هم حضور داشت و مشخصا آموزش‌های نظامی را در پایگاه‌های آمریکایی - صهیونیستی اقلیم کردستان فراگرفته و به‌عنوان فرمانده مبرز نظامی شناخته می‌شد.